



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۱۱ | شماره ۱ | پاییز و زمستان ۱۳۹۷ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ نور و آتش در شهر سوخته
- ◆ آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر
- ◆ برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی
- ◆ مطالعه ویژگی‌های معماری و تزئینی مسجد جامع مهاباد
- ◆ نقش‌های صخره‌ای نویافته دوه‌داشی در کرانه سفیدرود (قلز اوژن) شهرستان طارم
- ◆ بررسی‌های باستان‌شناسی پیرامون غارتگری‌های انجام شده در جام غور افغانستان
- ◆ کرتیر، از فراز تا فرود (خوانشی از چگونگی صدرنشینی تشکیلات روحانی در جامعه ساسانی)
- ◆ تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان
- ◆ نگاهی به معبد داش‌کسن ویر (شیرین و فرهاد) و نقش برجسته چهره انسانی نویافته از روستای ویر سلطانیه

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران‌شناسی

سال ۱ | شماره ۱ | پاییز و زمستان ۱۳۹۷ |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گنجبری ساسانی یافت‌شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گنجبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری طاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گنجبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گنجبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

سرمقاله

ایران ورجاوند شاهین آریامنش

۳

مقاله

- ۵ نور و آتش در شهر سوخته | سیدمنصور سیدسجادی و ستاره شاهین
- ۱۹ نقش‌های صخره‌ای نویافته دوهادشی در کرانه سفیدرود (قزل‌اوزن) شهرستان طارم اعلی نوراللهی
- ۳۶ تاج‌های پادشاهان اشکانی، شواهد مربوط به سکه‌شناسی و برخی جنبه‌های ایدئولوژی سیاسی اشکانیان | مارک البریخت، ترجمه محسن سعادت
- ۶۱ کرتیر از فراز تافرود (خوانشی از چگونگی صدرنشینی تشکیلات روحانی در جامعه ساسانی) | سرور خراشادی و سیدمهدی موسوی
- ۷۹ برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی | انریکو مورانو، ترجمه بهنام عطانی
- ۸۵ آثار هنر کاربردی کوشانیان در باختر | جنگر یاسف، ترجمه بهزاد صدقاتی
- ۹۴ مطالعه ویژگی‌های معماری و تزئینی مسجد جامع مهاباد | حامید نوری و فرید احمدزاده
- ۱۰۸ نگاهی به معبد داش‌کسن ویر (شیرین و فرهاد) و نقش برجسته چهره انسانی نویافته از روستای ویر سلطانیه اعلی نوراللهی
- بررسی‌های باستان‌شناسی پیرامون غارتگری‌های انجام شده در جام غور افغانستان | دیوید توماس و آلیسون گسکوین، ترجمه بهزاد صدقاتی
- ۱۳۲

یادداشت

- ۱۴۴ یادداشتی به مناسبت ۴ مارچ سالروز کشف بایگانی باروی تخت جمشید | لیلا مکوندی

پیشخوان

- ۱۵۶ بازخوانی کتاب تپه حصار | سعید باقی‌زاده
- ۱۶۰ هیتیت‌ها در آسیای کهن | شاهین آریامنش
- ۱۶۳ فرهنگ هخامنشی و سنت‌های محلی در آناطولی، قفقاز جنوبی و ایران | آرشاک ایروانیان

درگذشتگان ایران‌شناسی

- ۱۶۵ احسان یارشاطر، الویه لوکنت، محسن ابوالقاسمی، یدالله ثمره، بهروز هم‌رنگ | آرشاک ایروانیان

گزارش

- ۱۶۷ شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران
- ۱۷۷ میراث فرهنگی ایران را در ایران فرهنگی دریابید

بخش انگلیسی

On the eighty-sixth anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet | Wouter F.M.

Henkelman



ایران ورجاوند

دشمنان بر آن بوده تا این پیوندهای ژرف را بگسلند و ریشه‌های عمیق را با تیشه برکنند، ایران فرهنگی که دل و دین به آن سپرده‌ایم از چشم دست‌اندرکاران مجله ایران ورجاوند دور نمانده و چاپ مقاله‌های پژوهشی و ترجمه‌ای ارزنده درباره جهان ایرانی یا ایران فرهنگی از اولویت‌های مجله ایران ورجاوند است؛ باشد که از این راه پیوندهایمان پیوسته‌تر و ریشه‌هایمان ژرف‌تر شود. همچنین معرفی و نقد کتاب‌های حوزه ایران‌شناسی و چیزهایی از این دست نیز در مجله ایران ورجاوند برگ‌هایی را به خود اختصاص می‌دهد.

در پایان از همه گرامیان به‌ویژه نویسندگان و مترجمان ارجمند سپاسگزارم که در انتشار نخستین شماره مجله ایران ورجاوند ما را همراهی کردند. دامن سخن را برمی‌چینم با این امید که نهال باریکی که امروز در سپهر ایران‌شناسی کاشته می‌شود به سرو تناوری در آسمان ایران‌شناسی بدل شود.

یزدان پاک را از بن جان و دندان سپاسگزاریم که ما را بخت و بهره‌ای داد تا نخستین شماره از مجله ایران‌شناسی ایران ورجاوند را منتشر کنیم. مجله‌ای که می‌کوشد تا دستاوردهای پژوهشی پژوهشگران و مترجمان خطه باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، زبان‌های باستانی و دانش‌های پیوسته را منتشر کند.

تلاش دست‌اندرکاران مجله ایران ورجاوند بر آن است تا افزون بر چاپ مقاله‌های سخته و پخته پژوهشی در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی، مقاله‌های ترجمه‌ای ارزنده و مهم پژوهشگران ایرانی یا ایرانی را نیز منتشر کند، مقاله‌هایی که برای شناخت تاریخ و فرهنگ گرانسنگ و ورجاوند ایران بسیار ارزشمند هستند.

با توجه به پیوندها و ریشه‌های ژرف و عمیق فرهنگی میان ایران و جهان بشکوه ایرانی که از سده‌ها بلکه هزاره‌های دور و دراز برجا بوده است و در دهه‌های اخیر تلاش



برخی از نمودهای ترجمه آثار مانی به زبان‌های ایرانی*

انریکو مورانو

ترجمه بهنام عطائی

کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران

یک

مانی در بیانیه مشهورش، جایی که ۱۰ برتری دین خود را نسبت به سایر ادیان می‌آورد، به‌عنوان نخستین ویژگی اعلان می‌دارد که آن را در همه کشورهای و به همه زبان‌ها آشکار خواهد نمود.
M5794+M5761

yk kw dyn 'y /8/ [']hyng 'n pd ... /7/
yk hr 'wd yk /9/ 'zw 'n bwd ° ° yg
dyn 'y mn /10/ ' 'd kw pd hrw hr
'wd p[d] /11/ w(y)sp 'zw 'n pyd 'g
° bw 'd

یک که دین پیشینیان در یک کشور و به یک زبان بود؛ اما دین من در همه کشورهای و به همه زبان‌ها آشکار خواهد شد (Andreas, Henning) 1933: 295.

نظریه غالب آن است که مانی، آثارش را به زبان محلی خود، یعنی آرامی بابلی نوشت؛

* این مقاله برگردانی است از:

البته به‌جز شاپورگان که برای شاپور ساسانی و به زبان پارسی نوشته شد. با این وجود آرامی هرگز جایگاه زبان دینی و مقدس را کسب نکرد؛ اما در زمان حیات و یا اندکی پس از مرگ مانی، همه نوشته‌های او را شاگردانش احتمالاً تحت نظارت شخص مانی، به دوزبان اصلی شاهنشاهی، یعنی پارسی و پارتی ترجمه کردند. این ترجمه‌ها به همراه دیگر آثار مانوی به آسیای میانه برده شدند و در آنجا به سغدی، ترکی قدیم و چینی برگردانده شدند. هرچند این پرسش که چرا حتی یک سطر به آرامی در میان متون مانوی ترفان کشف نشده است، همچنان به‌صورت یک راز باقی مانده است.

دو

ترجمه متون، به‌خصوص نوشته‌های شخص پیامبر، تکلیفی باشکوه، مهم و حیاتی برای مانویان بود. ولی آنها این تکلیف را چگونه به

Morano, Enrico 1997. "Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani", *Abhandlungen der Akademie der Wissenschaften zu Göttingen* Herausgegeben von Jens Peter Laut und Klaus Röhrborn 86-91

ἐν τῷ Μαννχιῶτι Τηροῦ **Ναυαρι** ἀπόστολος διὰ θελήματος Θεοῦ Πατρὸς τῆς ἀληθείας ἐξ οὗ καὶ γέγονα. [6; 7] τε καὶ διαμένει ἐν αἰῶνας αἰῶνας πρὸ παντός μὲν υπάρχων, διαμένον δὲ καὶ μετὰ πάντου πάντου δὲ τὰ γεγονότα τε καὶ γινόμενα διὰ τοῦ αὐτοῦ σθένους ὁρίσθηται.

من مانی، فرستاده عیسی مسیح، به اراده خدا، پدر راستی که من از او هستم، آنکه می‌زید و در جاودانگی است، آنکه برتر از همه بود و آنکه پس از هر چیز خواهد بود. هر چیز، آنچه وجود داشته است و آنچه وجود خواهد داشت، همه به دست نیروی اوست.^۱

همچنین در مناجاتی موجود در بخشی از یکی از دو مزمور با عنوان آفرین کهرتان (qšwdg'n 'frywn) که به پارسی و پارتی باقی است، ترجمه به متن اصلی بسیار وفادار به نظر می‌رسد.

25ša ••••(n) w(ny)wd'n 'y'wšt [hwm

... نابودی‌ها بازگشتیم (؟).

25šb 'bn's ° 'zwšt hym'd °

... بازگشتیم (به؟) نابودی.

26ša 'b'g 'byd]g'n 'byd bwd [hwm

به همراه نیازمندان، نیازمند شدیم.

26šb '[d] 'bydg'n ° ('b)[y](d)

hym('d) °

با نیازمندان، نیازمند بودیم.

27ša *'b'g wy]ptg'n wy(pt) (hw)[m]

به همراه فریفتگان، فریفته بودیم.

27šb 'd frnštg:n ° frn(š)[t] hym'd °

با تباه‌شدگان، تباه شده بودیم.

28ša ['b'g hn]wg(')n hn]wg bwd hw[m]

به همراه نگرانان (؟)، نگران (؟) شدیم.

28šb 'd t'ryg'n ° t'ryg [b](w) (h)

ym'd °

با تاریکان، تاریک شدیم.

29ša [pd *wysp'n](d)w'ryšn:n

انجام می‌رسانند؟ آیا از اصولی مشخص پیروی می‌کردند؟

مباحث نظری و کاربردی درباره کار ترجمه به دوران باستان باز می‌گردد. یونانیان بین ترجمه تحت لفظی (مانند لغت به لغت، معادل قراردادی) و ترجمه آزاد (مانند به بیان دیگر، معادل پویا) تمایز قائل بودند. مترجمان متون مذهبی، هوشیارانه باید در پی ارائه ترجمه تحت لفظی باشند تا در حد امکان به متن اصلی وفادار باشند. به عنوان نمونه این حالت در بخش آغازین انجیل زنده مانی دیده می‌شود که ترجمه پارسی میانه (M17 و M644) و یونانی (دست‌نویس‌های مانوی کلن، ff 66). آن موجود است. در هر دو ترجمه -به احتمال هر دو از یک مرجع آرامی یکسان- در چندین سطر پیاپی عملاً ترجمه تحت لفظی و لغت به لغت انجام شده است، تنها با یک استثنا برای واژه «مسیح» که در پارسی، همیشه زرتشتی شده و به اریامان، ایزد شفابخشی در اوستا، برگردانده شده است.

انجیل زنده مانی

M17 و M644 [پارسی میانه]

'n m'ny prystg 'yg yyšw' (r)y_m_n

pd q' (m' y) pdr by w' (b)r)yg'n °

h'n'n (ky) 'n' cyš bwd <hym> {سطر ۱۵

'c ps wysp 'st 'wd hrw cy

bwd w: bw' d pd 'wy zwr 'ystyd {۷

{سطر نوشته نشده}

من مانی، فرستاده عیسی اریامان، به کام پدر، بغ

راستین، آن‌که من از او بودم [V/ii] [...] از پس

هرچه هست و هرچه بود و باشد، به نیروی او

ایستد (MacKenzie 1995: 184 ff).

متن یونانی (Koenen, Römer 1988: 44-46):

۱. نویسنده ترجمه متن یونانی را در مقاله نیاورده است. برگردان به پارسی از مرجع آلمانی انجام شد. م

Conuerti enim ex Atticis duorum eloquentissimorum nobilissimas orationes inter seque contrarias, Aeschini et Demostheni; nec conuerti ut interpres, sed ut orator, sententiis isdem et earum formis tamquam figuris, uerbis ad nostram consuetudinem aptis. In quibus non uerbum pro uerbo necesse habui reddere, sed genus omne uerborum uimque seruauit.

من خطابه‌ای مقابل‌های و عالی دو تن از سخنوران آتیک را ترجمه کردم: آشینس^۱ و دموستن^۲. من نه به‌عنوان مترجم بلکه همچون سخنوری به ترجمه پرداختم، با همان اندیشه‌ها و ترکیبات و صورتی یکسان، از واژه‌های مناسب برای بیان مطلب استفاده کردم. در این کار، ضرورتی بر ترجمه تحت‌اللفظی ندیدم اما سبک و نفوذ کلام ایشان را حفظ کردم (Cicero, De optimo genere oratorum, 5, 14-15).

نگاهی دقیق به متونی که نسخهٔ پارسی میانه و پارتی آنها در دست است، نشان می‌دهد مانویان مترجمانی زیرک بودند. هنینگ (Henning 1958: 102-103) هنگام ویرایش یکی از این متون دوزبانه مناجات، همانند آنچه در بالا ذکر شد، از آفرین کهتران، متوجه شد:

چون مانویان ایرانی، در کل -اگر این تعمیم مجاز باشد- یک هسته قوی ادبی داشتند، به‌طور استثنایی مترجمان خوبی بودند. برخلاف اکثر مردمان شرق به ترجمه تحت‌اللفظی یا سرهم‌بندی قانع نبودند. آنها برای ایجاد یک ترجمه قاعده‌مند اختصاصی کوشیدند و هم‌زمان به ترجمه‌ای مصطلح، سیال و دلپذیر دست یافتند. اگرچه واژه‌های بسیاری در ایرانی میانه هست که وجه اشتقاقی یکسانی دارند، ولی دچار فریب تشابه لغوی نشدند. اگر حوزهٔ معنایی واژه‌ای ناسازگار بود، واژه‌ای کاملاً متفاوت

dw'(r)[yst] [hwm]

در همهٔ دویدنها، دویدیم.

29sb pd wysp cmg ° (t)[xt h](y)m'd °

در همهٔ مسیره‌ها، تاختمیم.

30sa p](d) wysp'n gryy(š)[n'n] [●●●(?) *gryst]hwm 'In all the weeping we wept'.

در همهٔ گریه‌ها، گریستیم.

30sb pd wysp b(rm)g ° [b](rm'd) hy'(m)'d (°)

در همهٔ زاری‌ها، زاری کردیم.

31sa pd wysp'n {?}[●●] [prbysyšn]:n (p)rbys'd [hwm]

با همهٔ رنج‌ها، رنج دیدیم.

31sb pd wys(p) [w](x)s'()g ° (wx)s'(d h)ym'd °

با هر زخمی، زخمی شدید.

32sa [●●(?) *pd *wysp'n ']whng'n [wysp] [●●●●

... در همهٔ غم‌ها، همه ...

32sb ('w)m('n) [●●●]. (p)d wysp 'w(w)dj(n) ° wysp [●●●●●](j)n °

و ما ... در همهٔ سختی‌ها، همه ...

33sa ●● hr](w')gw[c ●●]

... همه‌جا ... {یک خط از بین رفته}

33sb (')[w]m'n hrw'gwc (wm'd) [●●●●●](s'xš)d ° (Durkin-Meisterernst, Morano 2010: 21 ff).

و ما همه جارنج دیدیم ... (بدون؟) افسوس.

سه

آیا مانویان پیروان افراطی ترجمه تحت لفظی بودند؟ سیسرو نیز دربارهٔ اعتبار ترجمه تحت لفظی چنین هشدار داد:

1. Aeschines
2. Demosthenes

را می‌گزیدند.^۱

چهار

ترجمه آزاد در برابر ترجمه تحت لفظی: زبور مانی چنین آغاز می‌شود: 'ymyn 'hynd اینان هستند (Morano 2009 and Durkin-Meister-) :ernst, Morano 2010: 116 ff

بخش آغازین دومین زبور مانی آفرین بزرگان (wuzurgān āfrīwan) که تصادفاً هر سه نسخه پارسی میانه، پارتی و سغدی آن موجود است، دو نسخه پارسی میانه و پارتی تقریباً معادل یکدیگر هستند ولی نسخه سغدی مختصر است و بر مبنای یک قاعده خاص خلاصه گردیده است. باین همه مترجمان مانوی در به رخ کشیدن مهارتشان درنمانده‌اند: جناس اشتقاقی 'frywn (پارتی)، cy 'fryd ysn 'y yšt (پارسی میانه) و 'pry-wnh cwZY 'pry-tōrt «آفرین آنچه بیان کرد»، تحت اللفظی «آفرین آنچه آفرین کرد» در همه نسخه‌ها مورد توجه قرار گرفته است و عبارت ysn 'y yšt در نسخه پارسی میانه، سخت رنگ و بویی زرتشتی دارد زیرا مفهومی این چنینی از آن استنباط می‌شود: «پسینی که به‌جا آورد».

متن پارتی بازپرداخت شده: [M790, Ch/] ,U6546+Ch/So20501, M608b+M895b [M895e 'y(myn) 'hynd] 'ymyn 'hynd 'frywn ° cy 'fryd mry-m'ny ° cy fryštḡ cy yyšw' mšyh'h ° pd bg'n pydr k'm ° kd [w?] wzrgy-

نسخه پارتی M215 و پارسی میانه M842
323ša dryst wys'y bšnywm wzrg°

خوش آمدی، قامت بزرگم!

323šb drwd] 'br tw °° mn tn wzrg°]
درود بر تو، تن بزرگم!

324ša dryst wys'y cy(h)rwm b'myw °

خوش آمدی، جوهره تابناکم!

324šb drwd] 'br tw °° p'dgyrb[w m] nys'gyn °°

درود بر تو، تجسم تابانم!

325ša dryst wys'y dyswm rwc'g°
خوش آمدی، شکل درخشانم!

325šb drwd 'b[r tw] cyrgwm rwsn °°

درود بر تو، صورت روشنم!

331ša (d)ryst wys'y swr 'bzr ° ky dwsť(n) 'cyš phyp'rwm

خوش آمدی، سور نیرومند که دوستان (م) را از آن پُر می‌کنم!

331šb drwd 'br tw wxrdyḡwm wzrg °° 'c kw (')mb'r'm °° 'w yrg'mḡ'n (Durkin-Meisterernst, Morano 2010: 94 ff).

درود بر تو، بزم بزرگ که دوستان (م) را از آن آکنده می‌کنم!

۱. ترجمه از اصل آلمانی. م

۲. اِلا فیلیپونه (Ela Filippone) مرا آگاه کرد که bšn در برخی از گویش‌های ایرانی نو علاوه بر معنای «قامت، قد»، اغلب به معنای «بدن» است. کرمانجی bjn ۱. «قد، قامت (افراد)» (مترادف: qam(et), qedqamet) ۲. «کمر» (مترادف: navteng) bejn «جسم، قامت مرد»، سنجار bējin «جسم»؛ گورانی bažn «اندازه، جسم»؛ زازا bejn «بدن (فقط در مورد قد)»، گویش‌های مرکزی کرمانی bašn «بدن» [تن، لالباد، سر تا پا]؛ رورای bašn «بدن»؛ سیرجانی bašn «تن و اندام»، bašn-e bar «تمام هیکل»؛ زرقانی bašn. بر و بشن «بدن»؛ خوانساری bašn «بدن». از لطف صمیمانه ایشان برای اشتراک نتایج پژوهش منتشر نشده‌شان سپاسگزاری می‌کنم.

nhwpt(g) [yh'n 'bhwpt] V/6/ (h)ynd' 'ygyš 'st[lyd] V/7/ ['](y)n ysn 'w 'wy xwd(°)[y] V/8/ ['wd']w wysp'n ny'g'(n) [...] V/9/ [... h]rw ky 'ymyn r'z(°)[n ...] V/10 [...] ° 'ymy<n> 'ndr '(d/r/g)[....] V/11/ [...] 'bhwpt hynd (°)[...] V/۱۲/ [...] hyb zyzyd w̄ 'b[r] V/13/ [...] (.)y(.) ° (w̄) hmys 'w(.)[...] V/14/ [...] (.) ° '(y) p(d) b'ry(s)[t ...] V/15/ [..(k/x)..]qyh 'bzw'(d) [...] (پایان صفحه)

این ستایشی است که مار [مانی] ستایید که [فرستاده] عیسی اریامان [به خواست] بغ زروان هنگامی که [بزرگی و رازهای [جهان‌ها را] آشکار کرد. اند [یشید] ؟ [...] آنچه که باشد، [بود و هست] [و آنچه] پنهان بود [از جهان‌ها] [انتهای صفحه] { آغاز صفحه} پنهان بودند [آشکار کرد [...] بهشت [روشنی] [و درباره] [جهان‌های تاریک و [درباره] [جهان‌های آمیخته. هنگامی که این پنهانی آشکار شد پس او ستا [بید] [این] ستایش خدا [و همه پیشینان][...] [...] همه آن کسانی که این راز [...] اینان در [...] آشکار می‌شود. [...] باشد که ستاید و بر [...] و با هم به [...] [...] به بالاترین [...] بیفزاید [...] (پایان صفحه)

متن سغدی [So14570/R]

عنوان در پشت صفحه (پارتی): 'ymyn "xy-nt: /8/ 'yn'k xcy "pry-wnh /9/ cwZY "pry-tdrt 'xw /10/ xwt'w 'yšw 'z-γ'nt mr /11/ m'ny ktxw pr rxwšny' /12/ 'z-ny' z-'wr 'wst't ° /۱۳/ rty ZKw kw'kh pr

ft ° 'wd hrwyn hr'n r'z 'bgws(t) ° [cy bw](yd)bw(d)'st ° 'wd 'c hr'n ° ngwst 'hynd 'bdyšt ° 'br hr'n rwšn'n r'z ° 'br t'ryg'n hr'n r'z ° 'wd 'br wmyxtg'n hr'n [wr]dyšn nm'd ° 'wd kd 'ymyn ° [ngws]tgyft 'bgwst ° 'dy'n [' ymy'n 'frywn 'fryd] 'w wzrgyft xwd'y [wd 'w wysp'n] pydr'n ° 'ymyn [...]

«اینان هستند ...»

«اینان آفرینی هستند که آفرین کرد مار مانی فرستاده عیسی مسیح به خواست پدرِ بغان، هنگامی که بزرگی و راز جهان‌ها را آشکار می‌کند، باشد، [و] هست، و نشان داد آنچه از جهان‌ها پنهان بود. درباره راز جهان‌های روشن، درباره راز جهان‌های تاریک و دگرگونی جهان‌های آمیخته را آشکار کرد. و هنگامی که این [پنهانی] را آشکار کرد، پس [این آفرین را آفرین کرد] به خدای بزرگی [و به همه] پدران: این [...]»

متن پارسی میانه [M379b]

R/10/ ['yn 'st] ysn 'y yšt m(r)[m'ny] R/11/ [prystg]'y yyšw ' r(y)[m'n] R/12/ [pd k'm](y) n 'y by zr(w)'[n k'] R/13/ ['w] (w)zrgyh ° w: n(h)[w](p) [t'n] R/14/ [r'z'](n) 'bhwpt ° '(m)[wxt? ...] R/15/ [...] (k/x) .)n 'y b(w)y(d b)[wd 'st] R/16/ ['wd 'z hr'n nhwpt h(y)[nd ...] V/1/ n(h)[wpt h](y)nd² ° [...] V/2/ r(w)[n wh]yšt(w)[°wd 'br] V/3/ [š] (h)r t'ryg ° w: (°)[br] V/4/ [š]hr'n gw-myxtg[n nmwd °] V/5/ (k) 'ymyn

۱. همه نسخه‌ها در این نقطه بسیار آسیب‌دیده‌اند و به دشواری تصحیح انجام شد. توالی زمانی ظاهراً عجیب آینده-گذشته-حال، به جای حالت عادی گذشته-حال-آینده با آنچه در ادامه دقیقاً با همین توالی آمده، توجیه می‌شود: درباره راز جهان‌های روشن (بهشت، هر آنچه هرکس اول باید آن را بداند) آشکار کرد، درباره راز جهان‌های تاریک، و درباره دگرگونی جهان‌های آمیخته.
۲. احتمالاً به اشتباه دوباره تکرار شده است.

مانی آفرین کرد، هنگامی که گمارده شد بر نیروی
 دانش روشنی. و دهانش را انباشت با ستایش و
 ذکر: (نیایش اصلی در ادامه آمده است).
 w ty' /14/ pwrnw kwnt' r(t)y wy' r
 ZY /۱۵/ w' nkw w' °°
 این آفرینی است که فرستاده خدایگان عیسی، مار

کتابنامه

- Andreas, Friedrich Carl / Walter Bruno Henning (1933): "Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan, II". In: *SPAW*, Phil.-hist. Kl., Berlin, pp. 294-363.
- Durkin-Meisterernst, Desmond / Enrico Morano (2010): *Mani's Psalms. Middle Persian, Parthian and Sogdian Texts in the Turfan Collection*. Turnhout (BT 27).
- Henning, Walter Bruno (1958): "Mitteliranisch". In: Bertold Spuler (ed.): *Handbuch der Orientalistik*. 1. Abt., 4. Bd.: *Iranistik*. 1. Abschn.: *Linguistik*. Leiden/Köln, pp. 20-130.
- Koenen, Ludwig / Cornelia Römer (1988) (ed.): *Der Kliner Mani-Kodex: ber das Werden seines Leibes. Kritische Edition ... Opladen*. (Abhandlungen der Rheinisch-Westfälischen Akademie der Wissenschaften. Papyrologica Coloniensia 14).
- MacKenzie, David Neil (1994): "»I, Mani...«". In: Holger Preissler / Hubert Seiwert (edd.): *Gnosisforschung und Religionsgeschichte. Festschrift für Kurt Rudolph zum 65. Geburtstag*. Marburg, pp. 183-198
- Morano, Enrico (2009): "ymyn "hynd: The Beginning of Mani's Psalm *Wuzurgān fr wan* in Parthian and Middle Persian". In: Jason David BeDuhn (ed.): *New Light on Manichaeism. Papers from the Sixth International Congress on Manichaeism*. Organized by The International Association of Manichaean Studies. Leiden/Boston, pp. 213-223 [Pl. 1-4].

“Contents”

Article

| | |
|--|-----|
| Iran-e Varjavand Shahin Aryamanesh | 3 |
| Light and Fire in Shahr-e Sokhteh Seyyed Mansour Seyyed Sajjadi | 5 |
| Davahdashi Rock Relief in the Sefidrud (Qizil Ūzan) Taram City Ali Nourollahi | 19 |
| Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and Some Aspects Arsacid Political Ideology Marek I. Olbrycht, Persian translated by Mohsen Saadati | 36 |
| Kartir, from Uphill to Descent Sorour Khorashadi & Seyed Mehdi Mousavi | 61 |
| Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani Enrico Morano, Persian translated by Behnam Ataei | 79 |
| Works of applied art from Kushan Bactria Jangar Ilyasov, Persian translated by Behzad Sedaghati | 85 |
| The Study of the Architectural and Decorative Features of Mahabad Central Mosque Hamid Norasi & Farid Ahmadzadeh | 94 |
| Dashkasan Temple of Viyar (Shirin & Farhad) and Rock Relief of the Human Face from the Village of Viyar, Soltaniyeh Ali Nourollahi | 108 |
| Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province Thomas, David & Gascoigne, Alison, Persian translated by Behzad Sedaghati | 132 |

Commentaries

| | |
|---|-----|
| The Anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet Leila Makvandi | 144 |
|---|-----|

Critique and Book Review

| | |
|--|-----|
| Review of Tepe Hissar Saeid Baghizadeh | 156 |
| Review of Achaemenid Culture and Local Traditions in Anatolia, Southern Caucasus and Iran Arshak Iravanian | 160 |
| Hittites in Asia Minor Shahin Aryamanesh | 163 |

Obituary

| | |
|--|-----|
| Ehsan Yarshter, Olivier Leocont, Mohsen Abolghasemi, Yaddollah Samareh, Behrouz Hamrang Arshak Iravanian | 165 |
|--|-----|

Reports

| | |
|--|-----|
| 16 th Annual Symposium on the Iranian Archaeology | 167 |
|--|-----|

English Section

| | |
|--|---|
| On the eighty-sixth Anniversary of the find of the Persepolis Fortification Tablet Wouter F.M. Henkelman | 3 |
|--|---|



ایران ورجاوند



| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 1, No.1, Autumn & Winter 2019 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:

| **Shahin Aryamanesh** |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

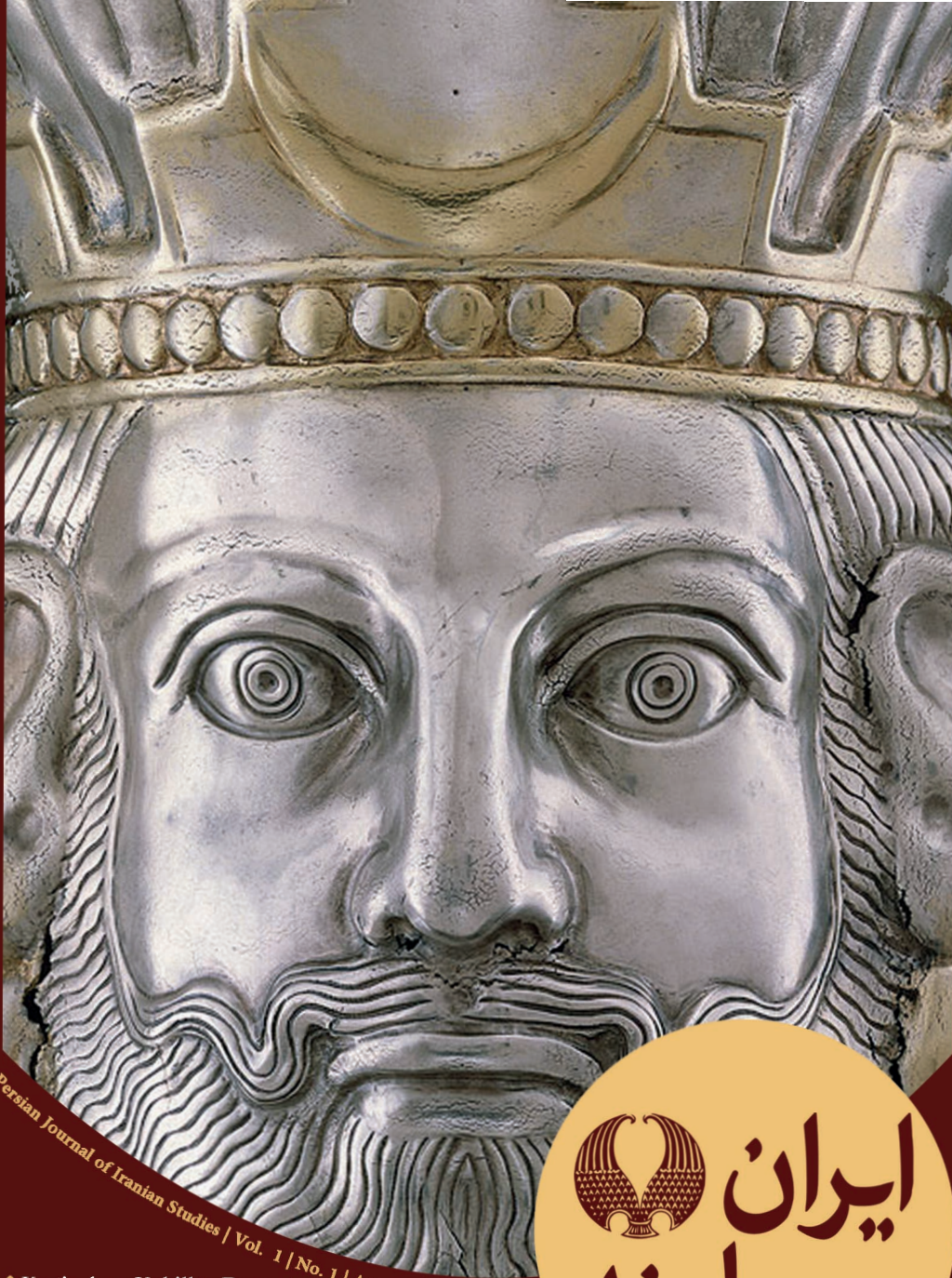
 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

All rights reserved. No part of this
publication may be reproduced,
stored in a retrieval system or trans-
mitted in any form or by any means,
electronic, mechanical, photocopy-
ing, recording or otherwise, without
prior permission in writing, form the
publisher.

With Contributions by

| **Tissaphemes Archaeological Research Group** |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 1 | No. 1 | Autumn & Winter 2019



ایران
ورجاوند
Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Kartir, from Uphill to Descent
- ◆ Light and Fire in Shahr-e Sokhteh
- ◆ Works of Applied Art from Kushan Bactria
- ◆ Davahdashi Rock Relief in the Sefidrud (Qizil Üzan) Taram City
- ◆ Some Aspects of the Translation into Iranian Languages of the Works by Mani
- ◆ The Study of the Architectural and Decorative Features of Mahabad Central Mosque
- ◆ Parthian Kings Tiara- Numismatic Evidence and Some Aspects Arsacid Political Ideology
- ◆ Recent Archaeological Investigations of Looting around the Minaret of Jam, Ghur Province
- ◆ Dashkasan Temple of Viyar & Rock Relief of the Human Face from the Village of Viyar, Soltaniyeh